



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

ایجاد جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت است.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد سوسیالیسم.

کورش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آبان ۱۳۸۱



حسین مراد بیگی:

هدف کلیت نظام جمهوری اسلامی است!

"بال دیگر" جمهوری اسلامی با صدور احکام زندان و سپردن ودیعه

صفحه ۲

شماست. روزی است که کمیته‌ها باید نشان دهند که بهترین سازماندهندگان، متحد کننده‌ترین، روشن‌ترین و ملبرترین رهبران توده‌ای هستند. امروز روز شماست. آرمانگرایی انسانی و روشنی‌بینی سوسیالیستی شما قطب نمائی است که امروز باید بکار گرفته شود. تامین رهبری با خط روشن بیش از هرکس برعهده شماست. باید تضمین کنید که مردم از این مبارزه پیروزمند، روشن تر و در مقابل جمهوری اسلامی متحد تر و قوی تر بیرون می‌آیند. باید جنبید! باید شبکه‌های مختلف ارتباطات را گسترش داد باید متحد کرد باید به میدان آورد و رهبری کرد.

مردم!

سران جمهوری اسلامی از راست و دو خرداد در فکر پیدا کردن راه "آبرومند" عقب نشینی هستند. باید این آبرو را برایشان باقی نگذاشت. باید عقب نشینی آنها را به هزیمت تبدیل کرد. حکم ما حکم رفتن جمهوری اسلامی و

صدور حکم اعدام آغازی از طرف جناح راست، چیزی فراتر از جنگ معمول جناحی بود. سابقا جناح راست دعوای خود را با

پیام به دانشجویان و مردم آزادیخواه



مردم!

جمهوری اسلامی آخرین نفس‌هایش را میکشد. روز آزادی، روز شادی، روز خنده برلبان همه و روز شیون اوباش جمهوری اسلامی و گل‌های انصار حزب‌الله نزدیک است. صدور حکم اعدام آغازی و اعدام‌های روزانه‌ای که جمهوری اسلامی میکند تلاش این رژیم کثیف و ضد بشری برای اضافه کردن چند صباحی به عم ننگینش است. این تلاش جمهوری اسلامی به حق با مقاومت و مقابله شما روبرو شده است. باید در ابعاد هرچه وسیعتر از دانشگاه و محله و کارخانه به صف این اعتراض پیوست باید صف اعتراض را گسترش داد.

عزیزان!

جامعه ایران امروز بیش از همیشه به پرچی روشن و مطالباتی قاطع و بدون توهم احتیاج دارد. جریان دو خرداد ۵ سال وقت این مردم را تلف کرد، ۵ سال دروغ گفت و ۵ سال به عمر جمهوری اسلامی اضافه کرد. کارشان همین بود و همین است: پرچم "حفظ نظام" را در مقابل مردم ضد نظام قرار دادند. امروز این جریان باخته است. رئیس جمهور و مجلس‌شان و بیش از هرچیز تعلقشان به جمهوری اسلامی آنها را از میدان بیرون کرد و بی آبرو کرد. اگر ذره‌ای وجدان داشته باشند امروز باید اعلام کنند که حزب کمونیست کارگری ایران حق داشت و منصور حکمت درست میگفت: ۲ خرداد پروژه بی‌سرانجام نجات جمهوری اسلامی است و نه نجات مردم از جمهوری اسلامی.

امروز باید با خواست‌های روشن به میدان آمد. باید خواستار

آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل شد. باید خواستار توقف همه احکام اعدام شد. باید خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی گردید، باید خواستار جدائی کامل مذهب از دولت شد. رژیم کثیف اسلامی باید برود. به دو خرداد نباید دوبار اجازه داد وقت و زندگی مردم را تلف کند. بهای هر روز عمر این رژیم را هزاران انسان بیگناه و بویژه کودکان و جوانان این کشور با مرگ فیزیکی و تباهی معنوی خود میپردازند. نباید اجازه داد این جنایات ادامه پیدا کند. راه مبارزه ما از دو خرداد و همه مصلحین جمهوری اسلامی جداست. وقت مرگ جمهوری اسلامی گذشته است. اصلا نباید به دنیا میامد.

کارگران!

سرنوشت جمهوری اسلامی و آنچه در جامعه میگردد بیش از هرکس به طبقه ما مربوط است. جامعه به حضور قدرتمند طبقه ما احتیاج دارد و طبقه ما محتاج آنست که سرنوشت جامعه را در جهت منافع طبقه کارگر، که منفعت بشریت آزاده است، رقم زند. پرچم اعتراض سوسیالیسم طبقه کارگر را به پرچم اعتراض مردم تبدیل کنید. ما میتوانیم دنیا را بلرزانیم. میتوانیم جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم.

کمیونیست‌ها!

شرایط امروز روز به میدان آمدن

عبدالله شریفی
تلاش و چشم انداز خانم
آنالیند به نقطه عبث!
صفحه ۳

صالح سرداری
رژیم تنها با اعدام
انسان ها را نمی کشد
صفحه ۴

ایرج فرزاد
تلاش عبث برای
تکرار یک سناریوی
شکست خورده
صفحه ۴

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

آدرس: K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گیر: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران

۴۱ متر برابر با
۷۴۹۰ کیلوهرتز

www.radio-international.org

تلفن:
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
پیامگیر رادیو:
۰۰۴۶ ۸ ۶۵۹۰۷۵۵

روزهای یکشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

دنباله از صفحه ۱

هدف کلیت نظام جمهوری اسلامی است!

و غیره حل می‌کرد. این بار تسری حکم اعدام به خودپه‌ای درون حکومت اسلامی در جنگ جناحی در کنار بساط اعدای که جمهوری اسلامی اخیرا در شهرهای مختلف ایران راه انداخته است، حکایت از وضعیت آشفته حکومت اسلامی دارد. جمهوری اسلامی برای به عقب راندن مردمی که برای درهم کوبیدن این حکومت منفور خود را آماده می‌کنند، بویژه ساکت کردن دانشجویان دانشگاهها که معلوم بود وارد میدان خواهند شد، ناچار از نشان دادن چنگال خونین خود به دیگر "بال" خود نیز شد. این قبل از هر چیز بیانگر وضعیت رو به زوال جمهوری اسلامی و استیصال ناشی از آن است. نشانه لریز شدن ناتوانی جمهوری اسلامی در حل بحرانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و در سرکوب مردمی است که هر روز عرصه را بر حکومت اسلامی تنگ تر می‌کنند و آن را بسط فروپاشی می‌برند.

با شروع اعتراضات دانشجویان در دانشگاهها به حکم اعدام آخاجری، جناح راست که ظاهرا چنین سطحی از اعتراض را پیش بینی نکرده بود، عقب نشینی خود را با این گفته خامنه ای که "قوه قضائیه باید با اداره صحیح محاکم قضائی

بهانه بدست ندهد"، ابراز کرد. با فراتر رفتن اعتراضات دانشجویان از حد دعوا و مرافعه جناحهای درون حکومت اسلامی و هدف قرار دادن کلیت جمهوری اسلامی با دادن شعارهایی از قبیل: رهبر برو گمشو، مرگ بر طالبان هم در کابل هم در تهران، آزادی زندانیان سیاسی و آزادی اندیشه همیشه، همیشه، توپ، تانک دیگر اثر ندارد، سران هر دو جناح ترس و وحشت خود را از گسترش این اعتراضات آشکار کردند و روزهای ۱۸ تیر را که پایه های جمهوری اسلامی را لرزاند دوباره پیش چشم خود می‌کنند. خاتمی تحت عنوان "سوء استفاده می‌کنند"، دشمنی خود را با این اعتراضات نشان داد. کروی دعوت به "آرامش و خویشتن داری" کرد. خودپه‌ای جناح راست را "ملامت" می‌کنند که روز خوبی برای این کار انتخاب نکرده بود. جناح راست خواستار طی کردن "مراحل قانونی" این حکم شده است و سران "اصلاح طلب" نیز برای مهار کردن این اعتراضات در چارچوب اعتراض به حکم آخاجری وارد گود شده اند. هر دو جناح که به وخامت اوضاع پی برده اند، بدنبال راهی برای عقب نشینی جناح راست هستند، طوری که به زیان نظامشان تمام نشود. "اصلاح طلبان" به خرابی وضعیت جناح راست، به شکنندگی بودن

حکومت اسلامی در مقابل توده میلیونی مردم و تنفر عمیق مردم سرنگونی طلب از کلیت نظام جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند، میدانند با هر قدم از گسترش اعتراض و پیشروی این مردم، جمهوری اسلامی چند قدم به فروپاشی و سرنگونی نزدیک تر میشود. میدانند مردم حکم رفتن جمهوری اسلامی را در بغل دارند و در اولین فرصت ممکن آن را به خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی ابلاغ می‌کنند و جمهوری اسلامی را با خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی و جناحهای آن از جامعه جaro خواهند کرد. اینها بارها نشان داده اند که بخاطر حفظ نظامشان حاضرند بر همه جنایات جناح راست چشم پوشی کنند، اعتراضی به صدها مورد اعدام و سنگسار و بی حقوقی کامل زن و قطع دست و پا و بساط شلاق جمهوری اسلامی ندارند، جناح راست هم هر روز سابقه و پیشکسوت بودن آنان را در پی ریزی نظام جنایت و کشتار و سنگسار برخ آنان میکشد. اینها مشکلی با اعمال خشونت جناح راست علیه مردم سکولار و سرنگونی طلب جامعه ندارند، خواهان آزادی بیان و عقیده مخالفین جمهوری اسلامی نیستند، ترس اینها از گسترش اعتراض غیر قابل مهار مردم معترض به این خشونت است که اکنون به لحظه انفجار رسیده است. ترس اینها از موجی است که برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی راه افتاده است و صدای آن اکنون بگوش میرسد. در

فکر راهی هستند که به این اعتراضات خاتمه دهند و جمهوری اسلامی را موقتا از خطر جدی ای که ادامه این اعتراضات میتواند آن را بسط فروپاشی سریع سوق دهد، نجات دهند. محمد رضا خاتمی میگوید "حکم اعدام اجرا نشود، دیوان عالی جمهوری اسلامی در مورد اجرا و یا عدم اجرای آن رای نهائی را صادر کند". سعی میکنند "مشکل" را بین خود حل کنند، با هم کنار بیایند، احتمالا رهبرشان حکم "عفو" به آخاجری بدهد و این موج را نیز از سر بگذرانند و چند صباحی دیگر به عمر ننگین جمهوری اسلامی اضافه کنند.

این تقلابا بیهوده است. پروژه "اصلاح طلبی" مدتهاست پوچی خود را نشان داده است، همه میدانند پروژه حفظ نظام جنایت و کشتار شکست خورده است، خودشان نیز به آن اذعان دارند. آخاجری هم نماینده هیچ چیزی نیست، نماینده هیچ نوع دفاعی از آزادی بیان و عقیده در جامعه ایران نبوده و نیست. پرده دارد فرو میافتند. اعتراضات اخیر دانشجویان، شعارها و خواستههایشان نشاندهنده گذار مردم سرنگونی طلب از سران هرزیم یافته این پروژه و از پیشبرد مبارزه در لابلای جنگ جناحی درون رژیم اسلامی است. این مبارزه همانطور که از شعارهایش پیدا است، به

لغو حکم اعدام آخاجری محدود نیست، از آن فراتر رفته است، مبارزه ایست برای درهم شکستن سیاست بساط اعدام و چوبه دار جمهوری اسلامی، برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران و مبارزه ایست که سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی را هدف گرفته است. اعتراضات اخیر دانشجویان شروع تحمیل نقطه تعادل جدیدی به جمهوری اسلامی است، نقطه شروعی است برای پرچم کردن شعار الغای مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، جدایی کامل دین از دولت، برابری کامل زن و مرد، آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه در هر حرکت اعتراض مردمی در ایران. سرآغازی است برای رو در روئی مستقیم مردم و جمهوری اسلامی. برای درهم کوبیدن حکومت اسلامی. مردم سرنگونی طلب باید این توقع را در مبارزه و اعتراض خود به جمهوری اسلامی منعکس کنند. ادامه مبارزه و اعتراض مردم سکولار و سرنگونی طلب تحت این شعارها در تسریع فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی تعیین کننده است. روز پایان دادن به بساط اعدام و شلاق جمهوری اسلامی نزدیک است، آن روز که سران جمهوری اسلامی را دستگیر کرده و در دادگاههای مردمی محاکمه و مجازات کنیم نزدیک است. نباید به سران جنایتکار جمهوری اسلامی

۱۳ نوامبر ۲۰۰۲

دنباله از صفحه ۴

تلاش عبث برای ...

"اندیشمندان" اسلامی، در تجمع دانشجویان آیات "رحمت" قرآن را "تلاوت" کردند. تلاش میکنند تا بار دیگر چون دوران مبارزه مردم علیه رژیم شاه، مردم را به تمکین با مرتجعترین گرایشهای سیاسی بکشانند. اما آن تاریخ و آن سناریو، آن انداختن عکس خمینی در ماه و آن سیمای مزور و کثیفی که زیر درخت سیب نوفل لو شاتو، به مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران خون پاشید، تکرار نخواهد شد. دایناسورهای مرتجع مکتب "انقلاب اسلامی"،

دگر اندیشان ملی مذهبی و اپوزیسیون پرو رژیم سر در آخور بیت رهبری و طرفداران جناح اصلاح طلب در وزارت اطلاعات، نخواهند توانست سیلی را که برای از بنیان کندن کل بساط توحش اسلام سیاسی راه افتاده است سد کنند. حزب کمونیست کارگری، پرچمدار صف چپ، آزادیخواه و برابری طلب، دارای سنت برنامه و سیاست روشن سوسیالیستی بازیگر مهم صحنه سیاسی جامعه ایران است. دوران توطئه‌های پشت پرده و کنفرانس گوادلوپ و در آغوش کشیدن "برادر ارتشی" توسط خیل ماله‌ای مرتجع و مامورین یقه

سفید ساواک و وزارت اطلاعات و امنیت برای همیشه سپری شده است. مبارزه مردم برای لغو مجازات اعدام، برای تأمین شرایط آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی و ابراز عقیده و نظر، برای برابری کامل شهروندان و برچیدن آپارتاید جنسی و برای پایان دادن به اختناق و سرکوب و خشونت حکام مرتجع برای همیشه سپری شده است. مبارزه برای بزرگ کشیدن رژیم اسلامی برگشت ناپذیر شده است. نیروهای که در تلاشی عبث سعی دارند مبارزات مردم و دانشجویان و جوانان را تحت کنترل سران رژیم اسلامی در آورند و برای این رژیم عمر بخزند، بهتر است به فردای سرنوشته خود بیاندیشند. بهتر است برای روزی که مردم از شر رژیم اسلامی خلاص شده‌اند و کل دوایر حامی این رژیم سرتاپا جنایت و توحش را به پای میز محاکمه میکشند،

دوران به قدرت خزیدن اسلام سیاسی مونیاتور کرده است، راه بند و بست و توطئه علیه مردم ایران را بسته است. جمهوری اسلامی باید برود، با همه جناحهایش و با همه حواریون اسلامی و ملی-اسلامی‌اش، و با همه جریاناتی که همواره سعی کرده‌اند با پولتیک زدن به سران رژیم اسلامی، زیر عبای اسلامین، چوب زیر بغل کثیفترین رژیم جنایتکار دوران معاصر باشند.

از سایت حزب در اینرنِت دیدن کنید!

www.wpiran.org

از سایت بنیاد منصور حکمت دیدن کنید!

www.m-hekmat.com

برنامه حزب کمونیست کارگری
یک دنیای بهتر، را بخوانید!

عبدالله شریفی

تلاش و چشم انداز خانم آنالیند به نقطه عبث!



آنالیند وزیر امور خارجه سوئد هفته گذشته، در پارلمان سوئد سخنانی در مورد وضعیت کردستان عراق و حمله احتمالی آمریکا به عراق ایراد کرد که جای تأمل و تعمق است.

مشروح این سخنان در مدیای احزاب ناسیونالیستی کرد، انعکاس خاصی یافت؛ روزنامه (برایه تی) ارگان حزب دمکرات کردستان عراق (پارتی) در شماره ۳۸۳۰ مفصلاً به این موضوع پرداخته است. خانم آنالیند میگوید: "... ما از آزادیهای موجود در کردستان عراق خوشحالیم، حکومت سوئد مدافع ملت کرد است و از دمکراسی موجود در کردستان عراق خوشنود است. ما از هر نوع حمایت اقتصادی و سیاسی به کردستان دریغ نکرده ایم؛ چون کردها همانند همه ملت‌های دیگر صاحب فرهنگ، زبان و مذهب خودشان هستند و ما کاملاً با نگرانیهای کردها در تحولات بعد از حمله آمریکا به عراق آگاهیم. . . . البته باید یادآور شد که طبق قرار ۶۸۸ سال ۱۹۹۱ شورای امنیت در مورد مردم سویل در عراق، دولت سوئد از همکاران جدی سازمان ملل بوده و در ردیف چهارمین کشور کمک به پروژه‌های کردها در کردستان عراق میباشد. . . . ما بعد از سال ۹۱ تاکنون نزدیک به ۱۰۰ میلیون کرون هزینه صرف کرده ایم. . . ."

سخنان خانم آنالیند چنان گویا است که هر کس که چند ماه سیاست در خاورمیانه و سیاست

او از "دمکراسی و آزادی" موجود در کردستان عراق ابراز خشنودی میکند دمکراسی و آزادی موجود در عراق یعنی، پرونده قطور احزاب حاکم کرد و اسلامی، که ماحصل آن فقر و فلاکت گسترده، بی سرنوشتی و بی افقی جامعه ای شده که زندگی میلیونها انسان را به جهنم تبدیل کرده است. حتماً در قاموس احزاب و دولی نظیر حزب و دولت خانم آنالیند ترور وسیع زنان، ترور صدها مخالف، دستگیری و خفه کردن صدای مخالفین، حمله نظامی به کمونیستها، بستن و تعطیل کردن احزاب و انجمنهای مخالف، تهدید و ارعاب جامعه، فقر و جنگ، مترادف با دمکراسی و آزادی میباشد، البته واضح است که آن کاتاکوری از آزادی و دمکراسی که خانم آنالیند به مردم خاورمیانه و کردستان عطا میکند چیزی بالاتر از این نخواهد بود! خانم آنالیند خوب میدانند که فرار دسته جمعی جوانان کردستان عراق از آن جهنم، تلف شدن دهها نفر در دریا و کوه و مرزها ناشی از آن "دمکراسی و آزادی" مورد نظر ایشان و دولتشان میباشد. در فرهنگ سیاسی آنالیند و همقطاراناش فقر و بیکاری و جنگهای داخلی و پرورش تروریسم اسلامی و دستجات مسلح مافیایی، دمکراسی و "بخشش" لویبا و نخود و گرسنگی دادن به مردم رفاه نامیده میشود. پروژه پر افتخار ایشان، عبارت است از نابسامانی که در سایه به گرو گرفتن نان و داروی کودک و زن و مرد و پیر و جوان عراق، به پیش میرود. دولت آنالیند حتی هر روزانه در سوئد نیز با تصویب قوانین ضد انسانی و راسیستی دست از سر این مردم بی پناه و بی سرنوشت برداشته است. خانم آنالیند میگوید که کردها

صاحب فرهنگ، زبان، مذهب خودشان هستند در تصویر خانم آنالیند و هم قطارانش مردم کردستان و خاورمیانه مذهبشان اسلام است فرهنگشان مردسالاری، عقب ماندگی سنتی و شایسته زندگی آزاد و مرفه و برابر نیستند. حقیقت اما این است که فرهنگ مردم کردستان عراق این عقب ماندگیها نیست. مردم خواستار و شایسته زندگی انسان امروزی هستند، از اسلام و سنن پوسیده اسلامی - عشیره ای متنفرند، بیزارند و به همین دلیل هر روز صدها جوان با حراج کردن دارو ندار خود سر به بیابان و کوه و دریا در جستجوی محلی امن برای زندگی سرگردانند.

خانم آنالیند اکنون چهره شناخته شده ریاکاری است. همین خانم آنالیند در همین پست وزارت امور خارجه دولت سوئد چند ماه پیش بود که با روسری به دیدار سران جنایتکار جمهوری اسلامی شتافت؛ و در ملاقات با خاتمی و کروی از نقش فعال زنان و جوانان در صحنه سیاست ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، ابراز خشنودی کرد، از فعالیت و آزادیهای زنان سخن گفت، از "دمکراسی" اسلامی دوم خردادها به شغف آمده بود و تمجیدگویان سر از پا نمیشناخت. حکومت سنگسار ضد زن و ضد آزادی اسلامی که خانم آنالیند با شور از دمکرات بودنش میگفت، حتی حاضر نشدند او را بدون روسری بپذیرند. همین وزیر بود که بی شرمانه حکومت سنگسار و اعدام و شکنجه، جمهوری اسلامی را حکومتی "دمکرات" و "اصلاح طلب" معرفی کرد؛ دولت اسلامی خاмене ای و خاتمی و رفسنجانی و بقیه جنایتکاران اسلامی را بزرگ کرد و مذبحخانه تلاش کرد تا این سازمان مخوف و دستگاه کشتار و سرکوب و فقر را رنگ کند و به جهان عرضه دارد. ما آن موقع

منافع حقیر خانم آنالیند و دولتش را نقد کردیم و در مقابل مردم متمن سوئد این ریاکاری را افشاء کردیم. ادعای اخیر خانم آنالیند، به تهاجم احتمالی آمریکا به عراق ربط دارد. دولت ایشان به این نقطه کور چشم دوخته است. دولت خانم آنالیند میخواهد یادآور شود که دولتش در تحولات آتی در کنار آمریکا و از پادوهای آن است. لیست هزینه و صرف کرونها را روی میز میگذارد تا در تحولات آتی دست داشتن در چپاول دسترنج مردم محروم این منطقه سهیم باشد. سیاست به عقب راندن جامعه متمن، سیاست ارعاب، سیاست کرنش جهان در مقابل میلناریسم سیاه و خونین آمریکا که قرار است از مجرای کشتار جمعی مردم محروم عراق بگذرد، از زاویه دولت آنالیند سیاست معقول روز و شمارش رده چهارم به دولتش در پروژه ۱۲ ساله در کردستان عراق، نشانه نهایت همدستی با آمریکا و غرب و دول منطقه در وقوع این تراژدی انسانی محسوب میشود. دولت سوئد با ادامه این سیاست در مقابل خواست آزادیخواه مردم کردستان عراق و مردم متمن و انساندوست و صلح طلب کشورش قرار میگیرد. میلیونها مردم عاصی از جنگ و کشتار متنفر از ترور و خونریزی، خواهان رفاه و آزادی خواهان برچیدن حکومتهای ضد انسانی و ضد آزادی و خواهان دخالت در سرنوشت خود در میدان هستند. تقابل با این جبهه عظیم نتیجه ای جز رسوایی نخواهد داشت.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



ایرج فرزاد

تلاش عبث برای تکرار یک سناریوی شکست خورده

جمهوری اسلامی در بحبوحه برپاکردن بساط اعدام در ملا عام که هنوز کماکان ادامه دارد، نه تنها قصد دارد که مردم را مرعوب کند، بلکه در تلاش است تا هر نوع صدای مخالف را حتی از درون صفوف معتقد به پایه‌های رژیم اسلامی را به سکوت و خفقان بکشد.

صدر حکم اعدام برای آغاچری، تلاشی بود در این راستا. اما حماقتی که جناح "تمامیت خواه" با این حکم مرتکب شد، فرصتی شد تا بحث مشروعیت کلیت رژیم اسلامی، آزادی بیان و عقیده و پدیده زندانیان سیاسی به مهمترین مساله روز در جامعه ایران تبدیل شود. از آیتالله منتظری تا خود سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و تا کربوی رئیس مجلس اسلامی صدای اعتراض برخاست که: این حکم آبروی اسلام را برد، "عدالت" اسلامی را زیر علامت سوال برد و ذهن مردم ایران و جهانیان را در مورد اینکه گویا اسلام دین "خشونت" است، "مخدوش" کرد!!

قرار بود اسلام سیاسی، ادامه نسل کشیهای سال ۶۰ و ۶۷ باشد. قرار بود هر نوع مخالف غیر اسلامی در دادگاه یا بدون دادگاه، در خیابان و بدون محاکمه و یا توسط هیات سه نفره امام "راحل" بدون اینکه کوچکترین نگرانی نسبت به افکار عمومی و اعتراض دولتهای غربی وجود داشته باشد، از دم تیغ بگذرد و یا بالای دار رود. قرار بود اسلام امام عزیزشان آپارتاید جنسی را نهادینه کند و "زن" را به همان موقعیتی بفرستد که در صدر اسلام و در آیات قرآن توصیف شده است. تمام این جنایات جانوران اسلامی حاکم بر ایران طی بیش از بیست سال پهن کردن بساط اعدام و زندان و شلاق و سنگسار و... عینا به هدف اجرای عدالت اسلامی و نشان دادن چهره کثیف اسلام سیاسی به جهانیان بود. واکنش سران هر دو جناح رژیم به صدور حکم اعدام آغاچری، نگرانی و ترس آنها از به میدان آمدن مردم علیه اعدام، بیان این حقیقت بود که آنها دیدند که فیلسوف و "استاد" اسلامی دانشگاه، از بنیانگذاران انجمن حجتیه و شاگرد مکتب علی شریعتی، عضو برجسته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که سازمان متبوعش در اطلاعیه خویش اعلام کرده است: شاگردان "امام" هنوز زنده‌اند، بخاطر ابراز عقیده‌اش حکم اعدام گرفته است. نه تنها سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که جریان‌های دیگری از قبیل راه توده و اکثریت که مولود و طفل شیرین انقلاب اسلامی هستند، دادشان به هوا بلند شد، دیدند اسلامشان و اصلاحات "بدون خشونت" رژیم اسلامی، دارد به انتهای خود میرسد، دیدند در اعتراض به حکم اعدام برای آغاچری، مردم، دانشجویان و جوانان بطور وسیع به خیابان ریخته‌اند و شعار آزادی زندانی سیاسی را فریاد می‌زنند، حکم به رفتن کل رژیم اسلامی و پایان دادن به هر نوع دایر کردن بساط توحش اعدام و زندان و شکنجه را میدهند. کنترلها از دست رفت، سوپاپ اطمینانها بسته شدند و جامعه به حالت انفجار علیه کل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی نزدیک شد. تلاش برای آرام کردن اوضاع دوباره شروع شد، خاتمی تلویحا اذعان کرد که حکم اعدام آغاچری اجرا شدنی نیست، "سردار" طلائی از پشت میله‌ها برای دانشجویان معترض دست تکان داد و برخی از

صفحه ۲

رژیم تنها با اعدام انسان‌ها را نمی‌کشد



صالح سرداری

دوستی و امید به آینده را در چنین مواردی زنده کرد. باید دست در دست هم گذاشت و متحد و متشکل مبارزه و اعتراض دستجمعی را علیه جمهوری اسلامی و مصیبت های آن سازمان داد.

دور نیست روزی که نظام سراپا جنایت اسلامی توسط کارگران و زحمتکشان ایران و هم‌لش با حزب کمونیست کارگری از روی این کره خاکی برچیده شود و بر ویرانه های آن دنیایی که شایسته انسان امروزی است، بناگردد. دنیایی که دیگر از چنین پدیده شومی خبری نباشد.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

کلیه زندانیان سیاسی باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند!

کمیته کردستان
دبیر کمیته:
رحمان حسین زاده
Email:
r_hoseinzadeh@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷
مسئول دبیرخانه:
محمد آسنگران
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵
Email:
asangaran@aol.com

هر روزه در گوشه و کنار ایران قربانیان دیگری را می‌گیرد. این رژیم در طول حاکمیتش با دستگیر کردن صدها هزار انسان و نگه داشتن آنها در سیاه چال‌ها، خیلی از آن انسان‌های مبارز و آزادیخواه را که با شور و شوق برای زندگی راحت تر و رفاه و آزادی مبارزه کرده بودند، لطمات روحی جدی ای بر آنها وارد کرده است.

حاکمان جنایتکار رژیم با اجرای قوانین اسلامی و سنت‌های پوسیده اش، زندگی را آنچنان برای مردم سخت کرده اند، که خودسوزی‌ها و خودکشی‌ها به پهنای جامعه ایران، وجود داشته است. به روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری خود رژیم نگاه کنید روزی نیست که دهها مورد خودکشی و خودسوزی در گوشه و کنار شهر و روستاها اتفاق نیفتد. مسئولیت همه این جنایات بر عهده رژیم اسلامی می‌باشد. اینکه این انسان‌ها بخاطر بیکاری و بی امکاناتی دیگر نمی‌توانند این وضع را تحمل کنند، پدر و یا مادری که نان آور خانواده هستند و قادر به سیر کردن شکم بچه‌هایشان نیستند، و نمی‌توانند آنها را به مدرسه بفرستند و یا بخاطر بی امکاناتی بچه‌اش را نمی‌تواند به نزد دکتر ببرد و به همین خاطر جان میدهد، آنقدر مستاصل می‌شود که به حیات خودش پایان دهد. این برای بشریت امروز ننگ است.

اما با همه این سببیت و جنایاتی که رژیم در حق مردم انجام داده و حق حیات را از صدها هزار انسان سلب کرده است، مردم در مبارزه ای قاطع و مداوم با رژیم درگیرند. می‌رود تا بساط ننگین رژیم اسلامی را برچینند.

«ب» مردم مبارز و آزادیخواه خود کشی و خودسوزی راه چاره نیست. باید سیستم و نظامی که بانی چنین پدیده‌هایی هستند را سرنگون کرد. انسانیت و هم‌سرنوشتی حکم می‌کند دلسوزانه با کسانی که به این روز می‌افتند برخورد شود. باید حس هم‌نوع

هفته قبل مردم کرمانشاه، در یکی از خیابان‌های شهر خود، شاهد خودکشی انسانی توسط نارنجک دستی بودند. شدت انفجار به اندازه ای بود که نتوانستند هویت او را شناسائی نمایند. فقط معلوم شده که بهمین نام دارد و ۳۶ سال سن داشته است. علت خودکشی را بیکاری ذکر کرده اند.

کسی نمی‌داند چه کسانی چشم‌براه بازگشت بهمین بوده اند؟ آیا همسر و فرزند دارد و هنوز هم منتظر بازگشت وی هستند؟ آیا بستگانش منتظرند، بهمین اینبار خوش حال از پیدا کردن کار، بر خواهد گشت؟ یا باید برای همیشه قبول کنند که دیگر وی را هیچگاه نخواهند دید. مطابق آمار رسمی رژیم استان کرمانشاه بالاترین رقم بیکاری در ایران را دارد. به همین خاطر دو ماه قبل وقتی نیروهای انتظامی مطابق طرح "برچیدن سد معابر" به پنج هزار دست فروش در مناطق مختلف شهر حمله کردند، و بعد از اعتراضات مداوم دستفروشان مجبور شدند اعلام کنند، می‌خواهند به تعدادی جواز کسب می‌دهند، بیش از پانزده هزار نفر فقط در شهر کرمانشاه برای ثبت نام مراجعه کرده اند.

بیکاری در جوامع سرمایه داری یکی از پدیده‌های شوم این نظام می‌باشد. اما در ایران این زائیده نظام بربریت، با هزار مکافات و اجحافات دیگر همراه است. اینجا دیگر قوانین سده‌های قبل نیز حکومت می‌کند که به نسبت خیلی از جوامع بشری امروز متفاوت است. خبری از بیمه بیکاری نیست. هیچ تأمین اجتماعی وجود ندارد. آموزش و پرورش و تحصیل رایگان نیستند. دارو دکتر برای بی پول‌ها وجود ندارد. کوچکترین مریضی در صورت نداشتن پول و امکانات معالجه باعث تلف شدن انسان‌ها می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی تنها از طریق اعدام و به دار آویختن نیست، که انسان‌ها را از بین می‌برد. جهنمی را که برای مردم کارگر و زحمتکش جامعه درست کرده است،

یازدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری را گرامی بداریم!